



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the stylistics of "Joya Tabrizi" poems

Hedayatullah Taghizadeh

Department of Persian Language and Literature, Farhangian University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 30 Septemebr 2020
 Reviewed: 02 November 2020
 Revised: 17 November 2020
 Accepted: 01 January 2021

KEYWORDS

Joya Tabrizi, Stylistics, Indian style,
 Linguistic level, Literary level,
 Intellectual level

*Corresponding Author

drtaghizadeh@yahoo.com

+98 21) 44230828

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: In literary studies, stylistics has a high status. Stylistics can express the linguistic, intellectual and literary characteristics of each work. This research introduces one of the poets of Indian style named Joya Tabrizi and examines the stylistic features in his poems.

METHODOLOGY: In the present study, for better and more useful access to information, an attempt has been made to use the library method. In this method, the researcher collects the required information and data by referring to written and library sources and references, including books, articles and dissertations. The research method is descriptive-analytical.

FINDINGS: Darab Beg Joya, nicknamed "Joya" and known as "Joya Tabrizi" is one of the poets of the 11th century AH, his ancestors were Tabrizi and his father "Mullah Samari" and his grandfather had immigrated to India before the birth of Joya. Joya was born in Kashmir with her two brothers, who were also poets. Joya is one of the poets of Indian style and the characteristics of this style are reflected in his poems.

CONCLUSION: The two subjects of love and praise of the Holy Prophet (PBUH) and the Imams, which are reflected in his sonnets and poems, respectively, have the highest frequency in Joya's poems from an intellectual point of view. Other subjects such as religion, advice and literature, the fight against hypocrisy are also seen in his poems. From the point of view of linguistic level, the use of slang words has given a special prominence to his poems, he has also used soft and gentle weights in his poems and Bahr-e-Ramal has the highest frequency in his poems. At the literary level, the use of all kinds of similes and metaphors, guaranteeing the poems of contemporaries and allegories are the most used in his poems.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5590](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5590)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 13	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی سبک‌شناسی اشعار «جویا تبریزی»

هدایت‌الله تقی‌زاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: در مطالعات ادبی، سبک‌شناسی از جایگاه والایی برخوردار است. سبک‌شناسی می‌تواند بیان‌کننده ویژگیهای زبانی، فکری و ادبی هر اثر باشد. این تحقیق یکی از شاعران سبک‌های هندی به نام جویا تبریزی را معرفی میکند و به بررسی ویژگیهای سبکی در اشعار وی میپردازد.

روش مطالعه: در پژوهش حاضر برای دستیابی بهتر و مفیدتر به اطلاعات، سعی شده است که از روش کتابخانه‌ای استفاده شود. در این روش، پژوهشگر با مراجعه به منابع و مآخذ نوشتاری و کتابخانه‌ای، اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه، اطلاعات و داده‌های موردنیاز را جمع‌آوری میکند. روش انجام تحقیق نیز توصیفی - تحلیلی است.

یافته‌ها: داراب بیگ جویا، متخلص به «جویا» و معروف به «جویا تبریزی» از شاعران قرن یازدهم هجری است، اجداد او تبریزی بودند و پدرش «ملا سامری» به همراه پدربزرگش، پیش از تولد جویا به هند مهاجرت کرده بودند. جویا به دو همراه برادرش - که آنها نیز شاعر بودند - در کشمیر متولد شدند. جویا از شاعران سبک‌های هندی است و ویژگیهای این سبک در اشعار او نمود یافته است.

نتیجه‌گیری: دو موضوع عشق و مدح پیامبر اکرم (ص) و امامان که به ترتیب در غزلیات و قصاید او جلوه‌گر شده است، بیشترین بسامد را در اشعار جویا از منظر فکری دارا هستند. موضوعات دیگری مانند دین و مذهب، پند و ادبیات اندرزی، مبارزه با ریا نیز در اشعار وی دیده میشوند. از منظر سطح زبانی، کاربرد لغات عامیانه برجستگی خاصی به اشعارش بخشیده است، همچنین وی از اوزان نرم و ملایم در اشعارش استفاده کرده است و بحر رمل بیشترین بسامد را در اشعارش داراست. در سطح ادبی نیز کاربرد انواع تشبیه و استعاره، تضمین اشعار همعصران و تمثیل در اشعار وی بیشترین کاربرد را دارند.

تاریخ دریافت: ۰۹ مهر ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۱۲ آبان ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۲۷ آبان ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۱۲ دی ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

جویا تبریزی، سبک‌شناسی، سبک‌های هندی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری.

* نویسنده مسئول:

drtaghizadeh@yahoo.com

۴۴۲۳۰۸۲۸ (+۹۸ ۲۱)

مقدمه

برای تکمیل مطالعات ادبی و پژوهش در سیر و دگرگونی سبکی هر دوره، پس از تصحیح و انتشار دیوانهای خطی شاعران، نخستین گام بررسی و تحلیل اشعار آنان است. یکی از مهمترین و کارآمدترین روشهای تحلیل اشعار شاعران، بررسی سبک‌شناسی آن است. سبک‌شناسی میتواند ویژگیهای سبک‌ساز و برجسته‌کننده آثار ادبی درخشان را کشف کند و از همین دریچه مقدمه‌ای برای نقد ادبی باشد. اصولاً نقد روشمند، نقدی است که براساس داده‌ها و یافته‌های سبک‌شناسانه باشد و در قضاوت و تحلیل از آنها بهره گیرد.

یکی از شاعران گمنام دوره صفویه که در سبک‌شناسی از آن به سبک هندی یا اصفهانی تعبیر میشود، جویا تبریزی است. درخصوص این شاعر تنها در کتبی مانند دانشمندان آذربایجان، سخنوران آذربایجان و دویست سخنور مطالبی درمورد معرفی و زندگینامه او وجود دارد، اما تاکنون هیچ مقاله‌ای درمورد ویژگیهای سبکی وی بنگارش درنیامده است. این پژوهش که به شیوه تحلیل محتوا و کتابخانه‌ای انجام شده است، ضمن معرفی شاعر، به بررسی ساختار و مهمترین ویژگیهای سبک‌شناسی آن در سه سطح فکری، ادبی و زبانی میپردازد.

بحث و بررسی

معرفی جویا تبریزی و دیوان وی

«میرزا داراب بیگ» متخلص به «جویا»، پسر «ملا سامری» از شاعران سده یازدهم و آغاز سده دوازدهم در هند است. خاندانش اصلاً از تبریز به هند رفته بود و در کشمیر سکونت گزید. میرزا داراب و برادرانش میرزا کامران بیگ، متخلص به «گویا» و میرزا فتح علی متخلص به «تسکین» در کشمیر زاده شدند و باینحال چون اصلشان از تبریز بود، جویا را تبریزی نوشته‌اند (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۲/۵: صص ۱۳۵۳-۱۳۵۴؛ سخنوران آذربایجان، دولت‌آبادی: صص ۲۹۶).

«جویا در زمان حکومت خاندانهای مغول و در عهد پادشاهی اورنگ‌زیب که به عهد عالمگیری در تاریخ هند مشهور است، در کشمیر میزیسته است. حکومت کشمیر در زمان او با «علی ابراهیم‌خان» بوده است. این حاکم ادب‌دوست از حامیان و مشوقان اصلی جویا در کار شعر و شاعری بوده است و بدلیل هم‌کیشی با جویا و داشتن مذهب تشیع همواره از این شاعر پشتیبانی و حمایت میکرده و او را یاری میداده است (مقدمه دیوان جویای تبریزی، عباسی داکانی: ص ۲۴). «جویا در عهد عالمگیر پادشاه، شهرت و آوازه فراوان یافت و عالمگیر او را سخت گرامی میداشت (دویست سخنور، نظمی تبریزی: ص ۱۵۰). میرزا جویا بعد از غنی کشمیری بزرگترین شاعر کشمیر بوده است (سخنوران آذربایجان، دولت‌آبادی: صص ۲۹۶). اغلب شعرای هند که در اوایل قرن دوازدهم هجری بوده‌اند، مانند عبدالعلی طالع و عبدالعزیز قبول و ملاساطع و غیر آنها از خوشفکران کشمیر همه از تلامذه میرزاجویا هستند و در عهد عالمگیر پادشاه در خانه او هنگامه صاحب سخنان گرم بوده است (دانشمندان آذربایجان، تربیت: ص ۱۷۰؛ به نقل از تذکره صبح گلشن: صص ۱۰۰-۱۱۱). جویای تبریزی از شاگردان ممتاز صائب بود و از سبک و شیوه او پیروی میکرد. ۱ جویا به سال ۱۱۱۸ ه.ق در کشمیر درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد.

دیوان جویا مشتمل بر دیباچه‌ای به نثر و ۷۰۰۰ بیت شامل ۵۰ قصیده، ۹۴۷ غزل، ۱۰۷ رباعی، ۱۵ قطعه (در موضوعات ماده تاریخ و توصیف) و ۱۷ مثنوی است. در بخش پایانی دیوانش، رقعات او (شامل ۵ رقعته) و ۷ دیباچه و خطبه آمده است. ۱. قصاید وی مشتمل بر یک قصیده در ستایش و حمد باری تعالی، ۵ قصیده در مدح حضرت محمد (ص)، ۹ قصیده در مدح امام علی (ع)، یک قصیده در مدح فاطمه زهرا (س)، دو قصیده در مدح امام حسین (ع)، دو قصیده در مدح امام صادق (ع)، دو قصیده در مدح امام موسی کاظم (ع)، سه قصیده در مدح امام رضا (ع)، نه قصیده در مدح امامان دیگر، به ترتیب از امام زین‌العابدین تا امام حسن عسگری، سه قصیده در مدح امام زمان (عج) و یک قصیده در مدح نواب فاضل‌خان و ۱۲ قصیده در توصیف گل و باغ و کشمیر است.

در دیوان جویا دو ترجیع‌بند، یکی در مدح امیرالمؤمنین و دیگری در مدح امام رضا (ع) وجود دارد، همچنین جویا ۱۷ مثنوی شامل موضوعات زیر سروده است: حکایت راهزن زوار حضرت امام حسین (ع)، مدح پیامبر اکرم (ص)، تعریف چراغان روی دل، توصیف کوه پیر پنچال، در سختی راه، توصیف وفور گل و گیاه، تعریف کشمیر، تعریف تالاب دل، تعریف مهتاب روی دل، وصف باغ شاله مار، تعریف باغ نشاط، وصف باغ نسیم، وصف باغ بحرآرا، تعریف باغ الهی، مدح نواب فاضل‌خان، تعریف بهادرشاه، تعریف اسب.

اما جویا در اصل شاعر غزل است، «هرچند که وی در تمام فنون سخن طبع خود را آزمایش کرده، ولی در غزلسرایگی گوی سبقت از دیگران ربوده است» (سخنوران آذربایجان، دولت‌آبادی: ص ۲۹۷). جویا در شکل و تعداد ابیات غزل، پایبند نیست؛ او غزل طولانی در دیوانش ندارد ولی غزل‌های بسیار کوتاه که ابیات آن از پنج بیت کمتر و گاه حتی بر دو بیت شامل می‌شود، در دیوانش وجود دارد. جویا فقط بدنبال این موضوع بوده است که حس درونی خود را بیان کند و در نتیجه هیچ پایبندی به قالب و شکل غزل نداشته است. میانگین تعداد ابیات غزلیات او پنج بیت است و در دیوانش غزلیات دوبیتی هم دیده می‌شود. ۲. «غزل‌هایش به شیوه سبک صائب، اندیشه‌های عارفانه و حکیمانه را با احساس عاشقانه همراه دارد و در آنها بیتها و مصرع‌های بسیار میتوان یافت که زاده تفکرات شاعر است نه خواسته‌های عاطفی او؛ به همین سبب بسیاری از آنها را میتوان در شمار مثلها و سخنان کوتاه عارفانه و ناصحانه پذیرفت» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۲/۵: ص ۱۳۵۵).

دیوان جویا، بار اول، به سال ۱۳۳۷ شمسی به کوشش استاد گرانقدر دکتر محمدباقر، استاد دانشگاه پنجاب در لاهور چاپ و منتشر شده است. همچنین بار دیگر در سال ۱۳۷۸، به تصحیح پرویز عباسی داکانی توسط انتشارات برگ چاپ شده است.

جدول قالب‌های شعری مورداستفاده در اشعار جویا تبریزی

قالب	غزل	قصیده	مثنوی	ترجیع‌بند	قطعه	رباعی
درصد	۶۹/۵۸٪	۲۷/۴۲٪	۱/۸۹٪	۰/۱۱٪	۰/۸۲٪	۰/۱۸٪

موضوعات و مضامین اشعار جویا

عشق: آنگونه که از اشعار جویا برمی‌آید وی انسانی درونگرا بوده است و به همین دلیل یکی از اصلیترین موضوعات اشعار وی بیان درد عشق و سختیهای راه آن است که اکثراً در غزلیات او نمود یافته است.

۱- یکی از این دیباچه‌ها، مقدمه‌ای است که بر دیوان صائب نوشته است.

۲- در صفحه ۱۸۶، پنج غزل سه‌بیتی و در صفحه ۱۸۹، هفت غزل دوبیتی وجود دارد.

در حیرتم که جان به کجایش فدا کنم / از بس گرفته شوق سراپای او مرا (دیوان جویا: ص ۵۵)
رازدار عشق را نبود مجال دم زدن / بخیه بر زخم دل از تار نفس داریم ما (همانجا)
از وصال او کسی جویا نگشته کامیاب / جز لب بامش که دارد رخصت پابوس را (همان: ص ۸۳)
عالمی از نرگس مستش خراب افتاده است / بوالعجب کیفیتی در روزگار حسن اوست (همان: ص ۱۳۴)
به هر مویش دو عالم میدهم بیعانه خوش باشد / اگر زلف سیاه او سر سودای ما دارد (همان: ص ۱۷۴)
جویا، ره عشق است که در گام نخستین / ناخن ز سر پنجه شیران نر افکند (همان: ص ۱۷۶)
دلم از هجر تو خون است امروز / آفت صبر و سکون است امروز (همان: ص ۲۱۹)
در راه تو گه جان و گهی سر بفشانیم / آن چیز که داریم میسر بفشانیم (همان: ص ۲۴۲)

مدح امامان و مضامین دینی:

تبلیغ و گسترش مذهب شیعه در دوره صفویه باعث شد شعر مذهبی در سطح گسترده‌ای مورد توجه شاعران آن روزگار قرار گیرد. در دیوان جویا نیز مضامین دینی و اشعار مدحی امامان از بسامد بالایی برخوردار است. جویا به مدح سلاطین علاقه چندانی نشان نمیدهد و تنها به مدح نواب فاضل خان، حاکم کمشیر پرداخته است. او به مدح امامان شیعه میپردازد که علاوه بر قصاید در غزلیات وی نیز دیده میشود. در قصایدش همه چهارده معصوم را مدح گفته و در چند قصیده به مدح پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) پرداخته است. از میان امامان، علاقه بسیاری به حضرت علی (ع) از خود نشان میدهد. همچنین در دیوان او نشانه‌های پایبندی به شریعت و دینمداری به بهترین وجه نمود یافته است. سرودن شعر نزد این شاعر، نه برای اظهار فضل و یا وسیله امرار معاش، که عرصه‌ای برای بیان عقاید و باورهای اوست. این پایبندی به شعر کلام جویا را به حدی شیوا و دلنشین نموده است که هر اهل دلی را مجذوب خود میکند.

او کشتی ما ایمن است از چارموج حادثات / شد ولای پنج تن ما را پناه از شش جهت (۹۴)
آرام در مقام رضای خدا گرفت / دست کسی که دامن آل عبا گرفت (۱۲۸)
احمد مرسل که عالم جمله در تسخیر اوست / ممکنات از حلقه‌های چرخ در زنجیر اوست (۸۷)
جویا حیات ما به دم مرتضی علی است / روشن چرخ خود به نفس میکنیم ما (۷۲)
لبریز مهر ساقی کوثر بود دلم / شکر خدا که صاف محبت به جام ماست (۱۰۷)
باکی از عصیان ندارم با ولای بوتراب / فیض میبارد ز دامن ترم همچون سحاب (۳۲۰)
کان سخا و بحر عطا مرتضی علی است / آئینه خدای نما مرتضی علی است (۳۸۱)
در غم شاه شهیدان زار میباید گریست / روز و شب با دیده خونبار میباید گریست (۱۳۳)
بهار گلشن دین حضرت امام حسن / فروغ مردمک دیده ولی الله (۳۷۰)

عرفان: درون‌نگری، تفکرات عرفانی و اندیشیدن به بی‌نهایت و رسیدن به پوچی و پوچ‌گرایی عالم هستی و همچنین گره‌خوردگی اجزای عالم و سردرگمی، موضوعی است که نه تنها در شعر دوره صفویه یا سبک هندی، بلکه در تمامی هنرهای این دوره از نقاشی و معماری گرفته تا کاشی‌کاری و خط دیده میشود و شاعر سبک هندی در اشعار خود با دیدی دینی و عرفانی به امور و مسائل اطراف خود می‌اندیشد. در اشعار جویا نیز این موضوع بعد از موضوع عشق و مدح امامان، در رتبه سوم قرار گرفته است:

رفتن از خویش به یادش سفر مردان است / وادی بی‌خبری رهگذر مردان است (۱۱۷)

عاشق و معشوق در چشم حقیقت‌بین یکی است / نور بر رخساره خورشید بی‌تاب خود است (۱۲۴)
گرفته کون و مکان را فروغ مهر رخس / کدام ذره نه در سر هوای او دارد؟ (۱۹۱)
کفر و ایمان پیش وسعت مشربان باشد یکی / میرسند این هر دو راه آخر در این صحرا به هم (۲۵۴)
چشم انصاف چو وحدت‌بین شود داند که هست / مسلک ارباب ظاهر، راه اهل دل، یکی (۳۰۷)

اخلاقیات و پند و اندرز: در شعر این دوره، توصیه و اندرزهای دینی و اخلاقی دیده می‌شود که بشکل تمثیل و مضامین بسیار زیبا به مخاطب منتقل می‌شود. موضوعات اخلاقی و اجتماعی متعددی نظیر قناعت، نکوهش طمع، در دیوان جویا وجود دارد.

کم گوی تا خلاص شوی از زبان خلق / کس عیب نشمرد سخنان شمرده را (۶۸)
جویا ز جور نفس اگر خواهی ایمنی / از خود بی‌پوش چشم که حصن سلامت است (۱۰۵)
دوری از مال جهان جوی که آسوده شوی / جگر لاله ز پهلوی زرش سوخته است (۱۲۹)
عاقل است آن کس که بر نادانی خود قائل است / هرکه دانا می‌شمارد خویش را دیوانه است (۱۳۲)
به قدر خواهش دنیا اسیر خویشتن سازد / تو گر جویا به دنیا بیش پیچی بیش می‌پیچد (۱۴۷)
هیچ دانی ز چه مقراض دو پلکت داده‌اند / یعنی از غیر خدا قطع نظر باید کرد (۱۷۳)
مرو به درگه دونان برای نان جویا / هزار نیش مخور بهر انگبین زنهار (۲۱۸)
آن سبک‌مغزی که بر تن پروری بنهاد دل / از خربت شد اسیر منجلاب آب و گل (۲۴۰)
راستی بگزین که باشد مایه فرزانیگی / نیست شمع بزم را از هم زبان و دل جدا (۳۱۲)
مبارزه با ریا: جویا با نگاهی رندانه به جامعه و اطراف خود مینگرد، او اندیشه مبارزه‌جویانه با زهد ریایی دارد و زاهد و محتسب و شیخ را به باد انتقاد می‌گیرد:

کی ز دوزخ میشود راضی دلش جویا به خلد / بس که زاهد دوست دارد گرمی هنگامه را (۷۳)
دل ندارد تاب صحبت‌های نامانوس را / ره مده در بزم رندان زاهد سالوس را (۸۲)
زاهد از دنیا پی تحصیل سیم و زر گذشت / رشته شد گردآور گوهر چو از گوهر گذشت (۱۲۷)
اگر نادم نباشی ترک اظهار ندامت کن / ز گریه دامن اهل ریا پیوسته تر باشد (۱۷۵)
موسم بهاران است دور دور مستان است / محتسب غزل‌خوان است شیخ باده نوش آمد (۱۹۹)
اشاره به هند: جویا بعلت غم‌گریبی و غربت و احتمالاً رنج و اذیتی که از هندوها میدید، در چند جای دیوان اشعارش که از این سرزمین ابراز ناراحتی کرده، بعضاً برای تسکین این ناراحتی، حمایت‌های این فرمانروای خوب ابراهیم‌خان را برای خود یادآوری کرده است:

کافر مگر هیچ هندو با مسلمان کرده است / بر سر دل آنچه آن چشم قدح نوش آورد (۱۴۷)
فریاد که در هند سیه‌بختی هجران / مویی شده‌ام از غم نازک کمری چند (۱۵۶)
از فریب وعده هندوی نژادان غافلی / ضعف در پیمان این قوم است چون پیمان هند (۱۶۸)
کی غریب کشور هندیم ما؟ جویا که هست / مجلس نواب ابراهیم‌خان ایران هند (۱۶۸)
در سواد هند دست از لذت دنیا بشوی / جز جگرخواری نباشد نعمتی بر خوان هند (۱۶۸)
در سواد هند خوش در کشمکش افتاده‌ایم / ناز منعم بیش از ابرام گدا باید کشید (۲۰۵)
در هند که دیده را غبارش مددی است / هر قبضه خاک خلد را دست ردی است (۴۱۴)

موضوعات دیگر	اخلاقیات و پند و اندرز	مدح امامان و مضامین دینی	عرفان	عشق	موضوعات
٪۰/۵	٪۷	٪۲۵	٪۱۱	٪۵۲	درصد

موسیقی بیرونی: وزن

جویا از اوزان مختلفی سود جسته تا تأثیر و دل‌انگیزی شعرش را دوچندان سازد. بیان موضوع عشق در غزلیات و مدح شخصیت‌های مذهبی در قصاید، باعث شده است که جویا در اشعارش از اوزان روان و ملایم بجای اوزان سنگین استفاده کند. بنابراین در اشعار وی به ترتیب، بسامد بحور رمل، هزج و مضارع از دیگر بحور بیشتر است؛ زیرا «بحر رمل برای بیان مفاهیم عاطفی، مانند حزن یا فرح و مانند آن مناسب است» (فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی، مدرسی: ص ۷۲) زیرا مصوت‌های کشیده در فاعلاتن و فعلاتن ظرف مناسبی برای بیان حزن و اندوه است.

جدول اوزان مورد استفاده در اشعار جویا تبریزی

نام بحر	رمل	هزج	مضارع	مجتث	رجز	منسرح	مقتضب
درصد	٪۴۲/۵۵	٪۲۳/۴۵	٪۱۵/۳۶	٪۱۱/۶۴	٪۴/۳۰	٪۱/۳۵	٪۱/۳۵

موسیقی کناری: قافیه و ردیف

مهمترین موضوع در بررسی قافیه در اشعار جویای تبریزی، موضوع تکرار قافیه است. تکرار قافیه در دیوان‌های شاعران سده یازدهم و دوازدهم امری رایج بوده است، علت اساسی این امر استفاده از معنای مختلف قوافی در مضمون‌بندی‌هاست. گاه چنین اتفاق می‌افتاد که شاعر برای یک یا چند واژه قافیه، چندین مضمون را بخاطر می‌آورد و بجای یک بیت، چندین بیت را با همان قافیه می‌سرود. «قدما برای تکرار قافیه حدودی تعیین کرده‌اند، تکرار قافیه را در غزل بیش از یکبار جایز نمی‌دانستند و در قصیده عقیده داشتند که باید بین قوافی مکرر حداقل هفت بیت فاصله باشد. تکرار قافیه بیشتر در آثار شاعران سبک هندی دیده می‌شود و در برخی از آثار ضعیف شاعران بزرگ هم دیده می‌شود (آشنایی با عروض و قافیه، شمیس: ص ۱۰۹).

تکرار قافیه در تمامی قالب‌های شعری مورد استفاده جویا، خصوصاً غزلیات و قصاید دیده می‌شود. بطور مثال در غزل نه بیتی صفحه ۵۶، واژه «آه» سه مرتبه و واژه «نگاه» چهار مرتبه و در غزل شش بیتی صفحه ۱۵۳، واژه « رنگ» سه مرتبه تکرار شده است. همچنین بسامد استفاده از ردیف‌های طولانی نیز در اشعار وی بالاست، مانند: غزل صفحه ۶۹: گرد کند شیشه‌ریزها/ غزل صفحه ۱۳۴: از این دو کدام است؟/ غزل صفحه ۱۵۲: رخسار تو باشد/ غزل صفحه ۱۸۶: آمد به یاد/ غزل صفحه ۱۹۴: میرفت و می‌آمد/ غزل صفحه ۲۸۳: است پنداری/ و ...

جدول ردیف‌های مورد استفاده در قالب‌های شعری در اشعار جویا تبریزی

نوع قالب	غزلیات	قصاید	مثنوی	قطعات	رباعی
درصد	٪۶۹/۸۲	٪۳۴/۳۷	٪۵۴/۴۴	٪۴۹/۷۷	٪۱۰/۱۱

جدول نوع ردیف‌های مورد استفاده در اشعار جویا تبریزی

نوع ردیف	ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف بصورت ضمیر	ردیف بصورت ترکیبی	ردیف حرفی
تعداد	٪۵۴	٪۵	٪۶/۵۲	٪۲۰/۳۴	٪۱۴/۲۴

موسیقی درونی: بررسی اشعار جویا نشان داد که وی به علت اینکه بیشتر به معنای اشعار و خلق مضامین جدید می‌اندیشیده، چندان در بند خلق موسیقی حاصل از تکرار لغات و کاربرد انواع جناسها نبوده است و اگر هم جناس و تکراری در اشعارش دیده میشود، آن هم در جهت و به هدف خلق مضامین تازه بکار رفته است.

تجنیس: تام: دم - دم (۵۴)، اسیر - اسیر (۹۲)، تاب - تاب (۱۳۹)، مالک دینار - مالک دینار (۱۷۸)، حد - حد (۲۰۸)، داد - داد (۲۹۹) / زائد: داد - داده (۵۶)، من - چمن (۸۸)، قامت - قیامت (۱۱۳) / زاید: شمع - شمعدان (۱۶۴)، شیر - شمشیر (۳۰۳)، عار - عارض (۱۳۶)، آباد - باد (۳۹۶)، گردون - گردنه (۳۹۶) / مذیل: قامت - قیامت (۱۱۳)، تب (۱۲۵)، مهمان - مهمانسرا (۱۲۷)، وعد - وعید (۱۸۳)، مکار - کار / گلزار - زار (۲۱۸)، خلاب - خراب (۲۵۹)، دید - دیده (۳۱۱)، زمین - زمان (۳۴۶)، بحر - بر (۳۸۹)، تن - تنه (۳۹۶)، گردن - گردنه (۳۹۶) / لاحق: رنگ - تنگ (۲۹۲)، فرازنده - فروزنده (۳۵۶) / اشتقاق: صید - صیاد (۵۶)، عشق - عاشق (۱۱۲)، عاشق - معشوق (۱۴۲)، رزق - رزاق (۳۱۱) / ناقص (حرکتی): مال - مأل (۸۹)، مَهر - مهر (۳۴۱) / مطرف: روی - موی (۸۵)، گل - مل (۱۹۷).

تکرار واج (واج آرایی)

بارید چو از ابر عطایش نم رحمت / در خاک کف بحر کرم گشت کرهما (۵۳)
 هر کجا بینم به خاک افتاده برگ لاله‌ای / لخت دل با داغ حرمان یاد می‌آید مرا (۵۵)
 پریشان شعله میبافم ز تار و پود آه / میتوان دریافت حالم از قماش کارها (۵۸)
 از خاک مقصد ما چون گرد درد خیزد / باشد ز پرده دل دامان منزل ما (۷۴)
 افتادگی است مقصد صحرانورد عشق / واماندگی به راه طلب منزل من است (۱۱۴)
 تو تا به چند نیاسایی از دل آزاری / تو آهوان حرمن را مکن کمین زنهار (۲۱۸)
 به تک باد است دست این پریزاد / خطاب باد دستش میتوان داد (۴۰۸)

تکرار واژه

دیده بگشا! موی را با آن میان نسبت مده / زانکه مو معلوم و آن موی میان معلوم نیست (۱۰۶)
 حسن صورت دیگر و حسن جوانی دیگر است / خوشتر از صد گل پژمرده خار تازه‌ای (۱۳۶)
 اگر لعل است اگر یاقوت اگر می / به رنگ آن لب شکرشکن نیست (۱۳۷)
 من که ام کز من توان رنجید آنکه بی سبب / کیست جویا؟ بنده جویا؟ خاک ره جویا؟ غبار (۲۱۹)
 مرشد دل گه و گه گوش به ارشاد دلم / گاه شاگرد دلم، لحظه‌ای استاد دلم (۲۵۳)
 چون برگ لاله را هر لخت دلی ز داغ / خون گشته‌است نیمی، گشته کباب نیمی (۳۰۶)
 حذر ز محفل یاران این زمانه حذر / حذر ز خانه زنبور یعنی ز شور و شر (۳۳۶)
 ای فدای مرقد پاک تو سر تا پای من / یا علی مولای من مولای من مولای من (۳۶۵)

طرد و عکس

در چشمم هر کنار موجی است / هر موج، به چشم من کنار است (۱۲۴)
 شبم از روی او روز است و روز از زلف مشکین شب / به راه جستجو شبگیر ما ایوار را ماند (۱۶۴)
 تو را از دیدن خود تا به فکر خویش افتادی / به زانو آینه، آینه زانوست پنداری (۳۰۱)
 رنگین شده سرتاسر عالم ز بهار است / تا خار گل امروز به رنگ گل خار است (۳۲۲)

پیرو دین ترا قعر درک عرش برین / دشمن جاه ترا عرش برین قعر درک (۳۴۷)
زیرک از دشمنی دین تو باشد ابله / ابله از فیض تولای تو گردد زیرک (۳۴۸)

سبک‌شناسی واژه‌ها

کلمات و اصطلاحات دشوار در اشعار جویا جایگاه چندانی ندارد و همین باعث روانی و قابل فهم بودن اشعار وی شده است. در دیوان جویا درصد لغات عربی و ترکی و واژه‌های قدیم زبان فارسی دیده نمی‌شود و تنها بسامد واژگان و اصطلاحات عامیانه چشمگیر است.

لغات عامیانه: در ورود لغات و اصطلاحات عامیانه به شعر سبک هندی دو عامل اصلی روی آوردن مردم عامه به شعر و شاعری و مضمون‌پردازی سهیم هستند. «روی آوردن طبقات مختلف مردم به شعر باعث شد که زبان کوچه و بازار به شعر راه یافته و دایره واژگان شعر گسترش یابد و بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنه شعر رخت بر بندد؛ به نحوی که میتوان گفت زبان شعری آن دوره زبان جدید فارسی است و از مختصات سبک خراسانی در آن خبری نیست. زبان این سبک را باید زبانی واقع‌گرا قلمداد کرد؛ زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره است» (سبک‌شناسی شعر پارسی، غلامرضایی: ص ۲۳۰).

جویای تبریزی مانند دیگر شاعران سبک هندی فقط بدنبال معنا و مضمون است و لفظ را بکلی رها کرده است، در نتیجه لغات عامیانه و بازاری فراوانی به اشعارش راه یافته است. لغات و اصطلاحاتی مانند: عینک (۶۴)، سرت گردم (۶۶)، قطار هفته (۶۷)، برهنه‌پا- خانه‌سوز (۹۰)، کوچه (۱۱۹)، شفتالوی رسیده (۱۱۷)، دخل و خرج (۱۳۸)، ادا کردن (۱۴۹)، گرم شدن بازار (۱۶۲)، بوسه‌چینی (۱۶۹)، سرد مهری (۱۷۲)، خوش‌آب‌ورنگ (۱۹۲)، بی‌کم‌وکاست (۱۹۷)، دست‌انداز (۲۵۵)، روان کردن: حفظ کردن (۲۵۶)، چشمک زدن (۲۶۹)، شمع سر مزار (۲۸۱)، آدم شدن- خر شدن (۲۸۴)، اهل و عیال (۳۱۱)، خانه بر دوش (۳۲۶)، خشک بر جای ماندن (۳۴۴)، فرصت‌طلب (۳۹۰)، تار بخیه (۴۰۰)، صوفی‌خر (۴۱۹).

صور خیال و آرایه‌های ادبی

در اشعار جویا، کلمات در خدمت معانی و خلق معنای جدید بکار می‌روند و به همین دلیل است که آرایه‌های لفظی جایگاه چندانی در اشعار وی ندارند و بیشتر توجه شاعر پیرامون آرایه‌های معنوی چون تشبیه، ایهام، استعاره می‌باشد.

تشبیه: «تشبیه اساس این سبک است، اما از دیگر امور بدیعی و بیانی جز بصورت طبیعی و تصادفی خبری نیست، زیرا سبک هندی شعر مضامین اعجاب‌انگیز و ایجاد رابطه‌های غریب است» (شبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۲۹۸).

تشبیه از دیدگاه حسی یا عقلی بودن طرفین:

محسوس به محسوس: جز خویش با که شکوه درد تو سر کنیم / پنهان چو غنچه در دل ما باشد زبان ما (۶۱)
معقول به محسوس: مینویسم نامه و خون از بنانم میچکد / حیرتی دارم که چون بال کبوتر بود خشک (۲۳۶)
محسوس به معقول: برگهای نسترن از شوخی موج نسیم / فوج ارواح است پنداری به پرواز آمده (۲۸۰)
معقول به معقول: روح تو چون خاطر من شاد باد / شاد شدم خانه‌ات آباد باد (۳۹۶)

نوع تشبیه	حسی - حسی	عقلی - حسی	حسی - عقلی	عقلی - عقلی
درصد	۵۵/۲۱٪	۴۰/۵۴٪	۲/۰۴٪	۱/۰۶٪

تشبیه از دیدگاه وجه‌شبه و ادات تشبیه

- تشبیه بلیغ: از سیدگهت روی زمین یک کف خاک است / وز رزمگهت چرخ برین مشت غبار است (۳۲۳)
 - تشبیه مجمل: هر کجا قامت برافروزد قیامت قائم است / زلف برهم‌خورده او شورش محشر بس است (۱۱۳)
 - تشبیه مفصل: ز بس دیوانگی کردم به یاد روی او شبها / ز وحشت گشته‌اند آشفته چون گیسوی او شبها (۷۹)

- تشبیه مرسل: ناز بر دیده خورشیدپرستان دارد / حلقه زلف که بر روی چو ماهش طرح است (۹۲)
 - تشبیه موکد: بسته شد جويا زبان ناله دور از بزم یار / بلبلم کز ساحت گلزار دور افتاده‌ام (۲۵۶)
 اضافه تشبیهی: ایوب درد - یعقوب هجر (۲)، کان جود - بحر سخا - بیشه پیکار (۳۳)، گل رخسار - صغیر درد (۵۲)، قطار هفته (۶۷)، آینه دل (۷۶)، لیلی شب (۷۹)، تخم اشک - نخل آه - لعل لب (۸۹)، سمندشعله (۱۰۷)، آفتاب عارض - آهوی چشم (۱۲۲)، کعبه توفیق (۱۵۷)، مینای فلک (۱۶۰)، طور رفتار (۱۷۷)، ریاض بندگی (۲۱۰)، طاووس بهار (۲۱۴)، عنقای تن (۲۴۵)، فرهاد دل (۲۵۳)، فلاطون عقل (۲۵۶)، زال جهان (۳۱۱)، سیل سرشک (۳۲۲)، شعله آه - آتش دل - عقاب فطرت (۳۲۴)، باران عافیت (۳۳۱)، گل آسودگی (۳۳۵)، سحاب لطف (۳۳۸)، نوشیروان برف - ابلق زمانه (۳۴۶)، ضحاک ستم (۳۶۱)، خورشید ایمان (۳۹۱)، ساغر دولت - باده عشرت (۴۲۸).

نوع تشبیه	بلیغ	مجممل	مفصل	مرسل	موکد
درصد	۴۸/۷٪	۱۷/۴۰٪	۱۸/۰۱٪	۱۲/۳۴٪	۳/۶۳٪

تشبیه به اعتبار مفرد یا مرکب بودن طرفین

- مفرد به مفرد: قابل یک چشم دیدن هم نبود این خاکدان / چشمکی از دور همچون برق بر دنیا زدیم (۲۶۹)
 - مفرد به مرکب: به کام غیر چون میبینمت از دور مینالم / چو آن بلبل که با گل بر سر بازار می‌آید (۱۵۳)
 - مرکب به مفرد: هر قطره خون بسته ز دم سردی ایام / در پیکر صدچاک تو جويا چو انار است (۳۲۲)
 - مرکب به مرکب: فشرده در سایه مزگان بر آن گلبرگ تر ناخن / چو آن موری که محکم کرده در تنگ شکر ناخن (۳۶۳)

نوع تشبیه	مفرد - مفرد	مفرد - مرکب	مرکب - مفرد	مرکب - مرکب
درصد	۷۸/۹۹٪	۱۳/۴۹٪	۰/۳۷٪	۷/۳۳٪

تشبیه به اعتبار تعدد طرفین

- تشبیه تسویه: اگر لعل است اگر یاقوت اگر می / به رنگ آن لب شکرشکن نیست (۱۳۷)
 - تشبیه جمع: مه است روی تو یا آفتاب از این دو کدام است / مزه است لعل لب یا شراب ازین دو کدام است (۱۳۴)

- تشبیه ملفوف: کفر و دین را امتیازی نیست در بازار عشق / این ترازو خاک را با زر برابر میکشد (۱۸۱)

-تشبیه مفروق: ابروی تو مصرع هلال عید است / رخسار تو حسن مطلع خورشید است (۴۱۹)

نوع تشبیه	مفروق	ملفوف	جمع	تسویه
درصد	٪۵۳/۵۸	٪۲۳/۶۱	٪۱۹/۸۰	٪۳/۱۹

اقسام دیگر تشبیه

تشبیه تفضیل: پیش رخسارت صفای مه نباشد در حساب / آفتاب از دفتر حسن تو نرد باطل است (۹۴)
 تشبیه تمثیل: با کمان آمیزش ناوک نباشد جز دمی / بیش از این نبود دوامی صحبت پیر و جوان (۳۵۷)
 تشبیه مشروط: سرم چون جاده باشد در کنار دامن منزل / اگر پا در طریق طاعت یزدان بیفشارم (۲۶۴)
 تشبیه مضمّر: می به جام گل از آن رخسار زیبا ریختند / رنگ سرو از سایه آن قد رعنا ریختند (۲۰۱)
 تشبیه معکوس: در چشمم هر کنار موجی است / هر موج، به چشم من کنار است (۱۲۴)
 تشبیه حروفی: به رفتن چون نسیم است و به تک باد / به تن قاف و به صورت چون پریزاد (۴۰۷)

نوع تشبیه	مضمّر	مشروط	تمثیل	تفضیل
درصد	٪۵۶/۶۷	٪۱/۲۴	٪۱/۸۶	٪۴۰/۱۳

استعاره: در دیوان جویا، بسامد استعاره مصرحه نسبت به مکنیه بیشتر است.

نوع استعاره	استعاره مصرحه	استعاره مکنیه
درصد	٪۶۵/۰۶	٪۳۴/۹۴

استعاره مصرحه:

نوع استعاره	مصرحه مطلقه	مصرحه مرشحه	مصرحه مجرده
درصد	٪۲۸/۲۸	٪۲۳/۱۱	٪۴۸/۶۱

استعاره مجرده: تا در خیال نرگس پر خواب او شدم / بستم به چشم و دل ره خواب و خیال را (۶۴)
 استعاره مرشحه: گرمی ز دل سخت بتان چشم مدار / زنه‌ار مکوب بیش از این آهن سرد (۴۱۵)
 استعاره مطلقه: سروت به گلشنی که خرامان شود به ناز / خجلت چو نخل موم گدازد نهال را (۶۴)

استعاره مکنیه

استعاره مکنیه	غیراضافی	اضافی
درصد	٪۳۶/۶۱	٪۶۳/۳۹

غیراضافی: که می‌آید صدای ناله زنجیر از دلها (۵۱)، شوخ‌چشم است ز بس نرگس باغ (۹۱)، گر فروزان است رخسار گل از شرمندگی است (۱۰۳)، پیوسته عشق دردد خودنمایی است (۱۳۹)، در باغ چو گل بر رخ جانان نظر افکند (۱۷۶)، که همچو آینه، امیدوار خواهی شد (۱۸۶)، دهان خنده هر غنچه را ناسور پندارم (۲۵۸)؛ سینه میمالد از آنرو بر زمین ابر سیاه (۲۸۹)، به پاکدامنی من قسم خورده دریا (۳۱۵)، دادند دو چشم تو به هم

دست ز مژگان (۳۱۶)، بحر میدوزد زبان در خویشتن از ماهیان (۳۶۰)، زمانه بسکه ز شمشیر او هراسان است (۳۶۷).

اضافی: اضافه استعاری: پرواز دل (۱۰۳)، رخ هوا (۱۲۸)، ناخن اندیشه (۱۷۴)، گوش زمانه (۱۸۰)، نخل سربلند (۱۹۵۹)، بال نگه (۲۴۱)، چشم سخن‌گو (۲۶۴)، پای نفس (۳۱۲)، تن ایمان (۳۱۳)، رخ گلزار (۳۳۲)، استخوان برف (۳۴۴)، جبین خیال (۳۵۱).

کنایه: جویا از بین انواع کنایات، به کنایات فعلی و ایما علاقه نشان داده است.

نوع کنایه	کنایات فعلی	کنایه از صفت	کنایه از موصوف
بسامد	٪۷۶/۱۶	٪۱۳/۵۶	٪۱۰/۴۴

کنایه از موصوف: امتیاز اهل تجرد را بود از کسر نفس / نشکنند ارباب دفتر گوشه هر فرد را (۸۱)
 کنایه از صفت: تا کی توان کشید ترش‌رویی سحاب / در دیده هر صدف کف سائل بود مرا (۸۳)
 کنایه از فعل: ماه را امشب فروغ حسن عالم‌سوز یار / تشنه رسوایی ز بام آسمان افکنده بود (۲۰۴)
 کنایه‌ها در اشعار او اغلب از نوع ایما هستند و اکثر آنها از زبان عامه اخذ شده‌اند: کف به لب آوردن (۶۰)، زانو شکستن (۱۱۳)، کاسه بر سر کسی شکستن (۱۲۱)، پهلو تهی کردن (۱۲۴)، از رنگی به رنگ دیگر رفتن (۱۳۱)، دامن تکاندن (۱۳۷)، چین بر جبین زدن (۱۴۹)، خون به جوش آمدن (۱۹۹)، نعل در آتش بودن (۲۸۶)، خشک بر جای ماندن (۳۴۴)، با زبان بی‌زبانی گفتن (۳۵۲)، جبهه سائین (۳۷۶)، نان به روغن افتادن (۳۹۹)، سودا پختن (۴۰۱)، رنگ بر رو شکستن (۴۰۴)، اجاق کسی کور بودن (۴۰۶) و ...

مجاز

عام و خاص: در محبت رفتن از خود، خضر راه ما بس است (۹۱)، چه غم سکندر و قیصر نگشتی ار جویا (۲۰۳)، اگر به عمان هر قطره گوهری گردد (۳۳۹)، وارث علم پیمبر ساقی حوض کوثر (۳۴۳)، کاندل آن روز که افلاک شود زیر و زبر (۳۴۵)، این قصیده را نهم گلدسته گر نامش سزاست (۳۵۴)، تعالی الله ز رخس باد رفتار (۴۰۷) / حال و محل: هوای دشت چون افتاد در سر آن پری‌رو را (۶۱)، جویا بگیر می ز کف گلرخان که هست (۷۷)، گر شوم جویا به یاد زلف او پیمان‌نوش (۱۵۰)، شد رخنه رخنه سینه‌ام از یاد ابروش (۲۳۷)، باده بستان از کفش در کاسه اغیار کن (۲۸۰)، حال عالم را توان دریافتن از فیض فکر (۲۸۶)، گردم چو مست جام تو یا مرتضی علی (۲۹۸)، فتاد آخر سرم به کوی و در افواه (۳۶۹) / جزو و کل: هزار خار ز پا سوزنی برون آرد (۱۶۶)، دستم ز گل به رنج بود چون ز خار پای (۲۶۴)، رخت خود را بست یعنی موسم دی زود باش (۲۲۹)، نرفت از جا به اشک و آه، مشت و استخوان من (۲۸۲)، بیفکن جام از دست پیش از آن دم (۲۹۷)، وز آن دل کز جهانش کنده‌ای صاحب‌نگین باشی (۳۰۶)، ز رشک لاله‌اش فردوس داغ است (۴۰۵)، به یک ناخن گشوده عقده دل (۴۰۶) / جنس: میشود برندگی در آهن افزونتر ز آب (۳۱۹)، خاکدان تیره هند از وجودش روشن است (۳۶۰)، به روی خاک بیفتد ستاره از گردون (۳۸۵) / لازم و ملزوم: همچو ماه چارده خورشید نقصان میکشد (۱۴۵)، لبی از باده لعلی تر کن (۲۱۹)، کشت نمودار چراغی ز دور (۳۹۴)، به باد فنا رفته تخت و کلاه (۳۹۰) / علت و معلول: دست و بازو زیب مردان هنرپرور بس است (۱۱۳)، گرچه سر تا پا تنم در بزم حیرت بود چشم (۲۳۶)، در نظرها پر خنک گردیده ماه از دست تو (۲۸۸)، او بدالله است باید تیغ او شیر خدا (۳۱۳)، ز حادثات گریزم به زور بازوی

خویش (۳۶۹) / مجاورت: استخوان پاک همچون صبح تابان روشن است (۱۲۷)، مانند ابر تیره زمین بر هوا رود (۳۸۴)، ماکان: اکسیر درد کرده زر این مشمت خاک را (۷۱)، به دستم نامه اعمال برگ تاک میگردد (۱۵۱)، غبار از تربت ما خاکساران برنمیخیزد (۲۰۶)، تا به کی اوقات خود را صرف آب و گل کنیم (۲۶۶) / آلیه: حریف بازوی جویا نمیشود گردون (۵۲)، میتراود نله چون نی از لب گفتار ما (۵۳)، پنهان چو غنچه در دل ما شد زبان ما (۶۱) / بنوت: صاف منصوری به جام طاقت ما ریختند (۲۰۱).

ایهام و انواع آن: استفاده و کاربرد ایهام نیازمند قدرت شاعری بالایی است و از آنجا که جویا شاعری متوسط و شعرش ساده و روان است، در دیوانش کمتر به ایهام برمیخوریم، اکثر ایهامهای موجود در دیوانش نیز ساده و اغلب ایهام تناسب هستند: ای به قربان تو گردند کمان ابروها (۵۲)، دور از گل رخسار تو مانند شکوفه... (۵۲)، نسیم امروز با بوی که آمد رو به این وادی (۵۳)، سوز عشق از سر ما تا دم آخر نرود (۵۶)، گر فلاطون آید از بزم تو مجنون میروم (۱۸۳)، درواز ان چاه زنخدان شب هجرش جویا (۱۹۶).

استخدام: شمع سان در سوختن پابرجایم ما (۵۷)، گه چو سوزن دوختی بر جامه چشم خویش را (۶۴)، روشن از مهر علی سینه چو ماه است مرا (۶۸)، ز وحشت گشته‌ام آشفته چون گیسوی او شبها (۷۹)، گفتم مگر ز باد چو گل بشکفانمش (۱۳۸)، ید بیضا برون آرد چو شمع از آستین خود (۱۹۸)، هرکه چون صبح خودنمایی کرد (۲۰۹)، به بزم عشق تا چون شمع ترک تاج و سر کردم (۲۴۵)، بهر قوت دیگران سرگشته‌ای چون آسیا (۳۱۱)، چون لقمه بی‌شبهه توان خورد قسم را (۳۱۶)، چو مهر در کف او شد جهانگشا شمشیر (۳۴۰)، گشودم تا برویت دیده همچو شمع کاهیدم (۳۵۴).

تلمیح: شاعران سبک هندی کمتر به آیات و احادیث توجه دارند. شاید دلیل آن انتقال شعر از دربار به کوچه و بازار باشد، یعنی متغییر مخاطب در این دوره باعث شد تا شاعر از کلمات و عباراتی که به ذائق مردم عادی خوش بنشیند، استفاده کند.

تلمیح به احادیث و قرآن: رشته عمر مرا محک‌تر از حبل‌متین (۳۶۲) / تلمیحات اساطیری: (۲۳ مورد) همچو رستم سهل گردد راه توران بر دلت / چون سوی ایران سپهداری چو بیژن میبری (۵۴)، ای پسر، زال جهان غداره شوهرکش است (۳۱۱)، نهادم تا به لب جام تولای تو جمشیدم (۳۵۵)، زان نهان شد دست ضحاک ستم در آستین (۳۶۱) / تلمیح به داستان پیامبران: (۱۵ مورد): بوی دم عیسی شنوید از سخن ما (۵۳)، ای عزیزان یوسفی در کاروان داریم ما (۷۰)، محنت یعقوب هجرم، بوی پیراهن کجاست (۱۱۸)، شد عزیز مصر خوبی آنکه خواری پیشه کرد (۱۶۸) / تلمیحات غنایی: (۱۶ مورد): همچو مجنون از هواداران صحرایم ما (۵۸)، بر زبانها شهرت شیرین و لیلا مانده است (۱۰۹) / زور بازوی تووانایی فرهاد دلم (۲۵۳) / تلمیحات غیراسلامی و تاریخی: (۱۸ مورد): نقش ارژنگ است از رنگینی نقش خیال (۱۱۸)، با من کنون معامله حلاج‌وار کن (۱۳۹)، عقل افلاطون منش را ریشخندی میزنم (۲۸۷)، افلاطون چو بی دست و پا گردد اگر باشد فلاطونی (۲۹۹)، همچو حلاج زند مرد علم بر سر دار (۳۶۲).

تمثیل: جویا تبریزی تقریباً تمام مواد و ساخته‌های تمثیل خود را از امور روزانه، محیط اطراف و مردم کوچه و بازار میگیرد:

در پناه عجز ایمن گشتم از جور سپهر / رهزنی در پی نباشد کاروان مور را (۵۷)
 به پاس عزت خود سعی کن تا معتبر گردی / به قدر آبرو جویا کند قیمت گهر پیدا (۶۶)
 به سرزنش متقاعد نمیشود دشمن / که پیچ و تاب بود بیش مار سرزده را (۷۳)
 میتوان در عاشقی دیدن عیار مرد کار / سوختن عیب و هنر ظاهر نماید عود را (۸۰)

جز نکویی طمع از سلسله نیک مدار / گوهرافشان بود ابری که از دریا بخواست (۸۹)
 تندخو سرکش شود ز آمیزش اهل نفاق / هیچ مهمیزی سمند شعله را چون خار نیست (۱۰۷)
 قدر نعمت از زوالش بیشتر ظاهر میشود / عقد دندان تا نریزد گوهر نایاب نیست (۱۲۶)
 سیل اشک از سینه‌ات بر دامن مژگان مریز / هر قدر در خم بماند باده بهتر میشود (۱۶۱)
 عیب نخوت در لباس فقر عریانتر شود / در ضعیفیها رگ گردن نمایانتر شود (۱۶۵)
 ز دونان بیشتر اهل بصیرت در تعب باشند / مگس با چشم مردم خویش را زنبور میسازد (۱۸۱)
 آه دلسوختگان کم نشود بعد از مرگ / بیشتر دود کند شمع چو خاموش کنند (۱۸۴)
 نور عرفان در دل صافی ضمیران برده راه / مطلع خورشید زبید در بیاض صبحگاه (۲۹۳)
 ناتوانی هادی ره خاکساران را بس است / کاروان مور مستغنی بود از رهنما (۳۱۱)
 خوبی تن ز فیض جان باشد / رونق خانه، میهمان باشد (۳۲۵)
 حیران تو در حسن صور بهره نگیرد / آینه چه لذت برد از عکس شکلی (۳۷۱)
 اهل دنیا عرض حال بینوایان نشنوند / اری آری لازم گوش صدف باشد کری (۳۷۶)

پارادوکس: صد نیستان شعله در آغوش خس داریم ما (۵۵)، شیشه‌جانیها حصارى گشت از آهن مرا (۵۵)، ز درد ساغر غم ای محبت شاد کن ما را (۵۹)، چون حباب آخر عمارت کرد ویرانی مرا (۶۹)، شور صد محشر نهد در وضع خاموش من است (۱۲۷).

تضمین: جویا اغلب از شاعران معاصر خود، یک مصراع (که در جایگاه مصراع دوم آورده) را تضمین و استقبال میکند. «جویا اشعاری در استقبال از غزلیات حافظ سروده و اشعاری را نیز از کلیم و صائب و طالب تضمین کرده است (عباسی داکانی، ۱۳۷۸: ۳۸-۴۰).

جویا به طرز آن غزل «صائب» است این: / «در کام همچو غنچه نگرده زبان مرا» (۷۸)
 جویا غزل «فکر» رنگین سخن است این: / «داریم قدم بر قدم مور در این راه» (۲۹۱)
 بعد از این جویا سخن گویم به انداز «رفیع»: / «همچو قمری دست بر جای بلندی میزنم» (۲۴۴)
 جواب آن غزل «فکر» است این جویا: / «چو صفحه غلط از سر نوشته‌اند مرا» (۶۲)
 جویا زده ناخن به دلم مصرع «بینش»: / «هر قطره شبنم شده چشم تر بلبل» (۲۳۸)
 این به طور آن غزل جویا که «سابق» گفته است: / «جای دندان سخت چون گردید دندان میشود» (۱۶۳)
 جویا مکن از جور فلک شکوه که «خان» گفت: / «نگشودن این حقه سربسته نکوتر» (۲۱۵)
 جویا به طرز آن غزل «بینش» است این: / «مانده دلم سفینه به گرداب داده راه» (۶۲)
 روشن دل جویا ز «فروغ» است که فرمود: / «زاد رهی از آبله رفتم برسانم» (۲۶۸)
 این به طور آن غزل جویا که «خان» فرموده‌اند: / «گر ز پا افتاده‌ای دست دعا گردد بلند» (۱۴۳)
 بی تکلف ز شکرریزی «صائب»، جویا: / «طوطی نطق تو طرز سخن آموخته است» (۱۱۲)
 جویا جواب آن غزل «واعظ» است این: / «دلها ز های‌های غمت خانقاه‌ها» (۵۷)
 این به طور آن غزل جویا که «واعظ» گفته‌است: / «خاک غیر از گرد خود بر دیده دشمن مزین» (۲۷۶)
 این به طور آن غزل جویا که «تمکین» گفته‌است: / «من ز طفلی خورده‌ام در ساغر گرداب شیر» (۲۱۳)
 جویا شده‌ام واله این مصرع «سالک»: / «طاووس اسیر است به گلدام پر خویش» (۲۲۵)
 به طور آن غزل جویا که گفت استاد من «صائب»: / «ادب لب تشنه در آغوش آب کوثرم دارد» (۱۵۸)

این به طور آن غزل جویا که «طالب» گفته‌است: / «از رخ فرش چمن گلبرگ رفتن رسم نیست» (۹۷)
جویا به طور «طالب» عامل غزل سراسر است: / «صیت سخنوریش ز مازندران گذشت» (۱۰۸)
جویا اسیر فکر «اسیر» است که گفته: / «آهم گواه محضر دعوای بی‌خودیست» (۹۲)
این جواب آن غزل جویا که میگوید «وحید» / «همچو شب زلفش کند روزم سیاه از شش جهت» (۹۴)

نتیجه‌گیری

جویای تبریزی از شاعران سده یازدهم و دوازدهم هجری است. نام اصلی او میرزا داراب بیگ تبریزی (کشمیری) است که در اشعارش «جویا» تخلص میکرد. خاندان او اهل تبریز بودند ولی جویا به همراه برادران شاعرش میرزا کامران «گویا» و فتحعلی «تسکین» در کشمیر متولد شد. از بررسی دیوان اشعار او در سه سطح زبانی، ادبی و فکری نتایج زیر حاصل آمد:

سطح زبانی: توجه بسیار شاعر به خلق مضامین تازه و ایجاد تمثیل، باعث بسامد اندک موارد موسیقی درونی (جناس و تکرار) در اشعار وی شده است. همچنین وی در اشعارش از اوزان نرم و روان استفاده میکند که بحر رمل بیشترین بسامد را در اشعارش داراست. درصد اندک واژه‌های عربی و ترکی از جمله مواردی است که در سامان‌پذیری زبان خاص شعر جویا نقش بسزایی دارد.

سطح ادبی: پربسامدترین صور خیال و آرایه ادبی در اشعار جویا، تشبیه است و از میان انواع مختلف آن تشبیهات بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)، مفصل، حسی، مفرد به مفرد و مفروق بیشترین بسامد را دارا هستند. از میان انواع استعاره نیز استعاره مصرحه بسامد بیشتری دارد. مجاز به علاقه جزء و کل نیز از میان انواع مجاز بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است و کنایه فعلی نیز از میان انواع کنایه بسامد بیشتری دارد.

سطح فکری: توصیف معشوق و شوق رسیدن به او و بیان سختیهای راه عشق، اصیلترین مضامین غزلیات او هستند. در قصاید نیز او بیشتر (۹۸ درصد) به مدح پیامبر و ائمه اطهار پرداخته است. موضوعات دینی و مذهبی، اخلاقیات و مبارزه با ریا و اشاره به هند نیز از دیگر مضامین موجود در دیوان وی هستند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- dovlatabadi, aziz(1998) Speakers of Azerbaijan, Tabriz: sotodeh.pp:297-296
Golamrezaei, mohammad(1998) Stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shaloo ,Tehran, jami.p.230
Joya tabrizai, mirza darab biyg(1999) divan joya tabrizi, Correction by : parviz abbasi dakani, tehtan: barg.

- modarresi, hosein(2005) Applied culture of Persian poetry weights ,Tehran: samt.p.72
- Nazmi tabrizi, ali(2007) Two hundred speakers ,Tabriz: yaran . p.150-151
- Safa, zabihollah(2001) History of Literature in Iran, Tehran: gognoos. p.p:1354-1355
- Shamisa, siros(2000) Familiarity with pronouns and rhymes ,Tehran: ferdoos.p: 109
- Shamisa, siros(1996) Stylistics of poetry, Tehran: ferdoos.p:298
- Tarbiyat,mohammad ali(1999) Scientists of Azerbaijan ,Tehran: Printing and Publishing Organization. P:170

فهرست منابع

- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس (۱۳۷۹) تهران: فردوس.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۰) چاپ پنجم، تهران: ققنوس.
- دانشمندان آذربایجان، تربیت، محمدعلی (۱۳۷۸) تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دویست سخنور، نظمی تبریزی، علی (۱۳۸۶) تبریز: باران.
- دیوان جویا تبریزی، جویای تبریزی، میرزا داراب بیگ (۱۳۷۸) تصحیح پرویز عباسی داکانی، تهران: برگ.
- سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷) تهران: جامی.
- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۷۵) تهران: فردوس.
- سخنوران آذربایجان، دولت‌آبادی، عزیز (۱۳۷۷) تبریز: ستوده.
- فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی، مدرسی، حسین (۱۳۸۴) تهران: سمت.

معرفی نویسنده

هدایت الله تقی زاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان تهران، تهران، ایران.

(Email: drtaghizadeh@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introduction of the author

Hedayatollah Taghizadeh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

(Email: drtaghizadeh@yahoo.com)